

محمد صدر: خروجی گفت و گوی ملی به مقام معظم رهبری اعلام می شود

گفت‌وگو در غیاب بزرگان

- شوق، قرار است نتایج گفت‌وگوی ملی به مردم، رهبری اجتماع تشدّد، خبری است که می‌کشد، عضو مجلس تشخیص صلاحیت نظام و هم‌چنان علان این مدل گفت‌وگو، داده است؛ گفت‌وگوهای ملی به البته به‌سختی می‌توان نام ملی روی آنها گذاشت به گفته محمد رضا باهنر، بیشتر گردهمایی است مبارزاتی چهره‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا، در حال حاضر بلسان گفت‌وگوی ملی با حضور افرادی مثل آقای احمد، حجت‌الاسلام ابوبتایی فرد، عارف، ضرغامی، رحمانی و محمد صدر است؛ هرچند انضاری در حال برگزاری است اما از اینکه درباره چه چیزهایی صحبت می‌شود یا تا این لحظه به چه نتایجی منجر شده، هیچ‌کس مشخص نیست نشر است، از حدود یک سال پیش به ایده گفت‌وگوی ملی کلید خورد، هر از گاهی اخبارش سناهای می‌شود، اما تا اینجا کار مشخص شد به‌شدت می‌آید صرفاً تعدادی خبرهای خبری از این جناح و آن جناح به‌دفعه قرار دارند و هیچ پشتوانه خبری از نادر است؛ پشتوانه خبری آن که به عزمی جدی در سطوح مختلف قدرت منجر شود، بعدی است این گفت‌وگوها با برانجام برسند، تا به حال این چهره‌های اصلاح‌طلب به‌دانه که اخباری از گفت‌وگوی ملی در می‌دادند، آن حمایت می‌کردند؛ در اردوگاه اصولگرایی که نفاق و حمای به ایده گفت‌وگوی ملی نبود، حادقارش می‌بود که سکوت کم‌فروما بود، صدر در پاسخ به این سؤال که چرا از چهره‌های شاخص و اثرگذار دو جریان رای حضور در جلسات دعوت نمی‌شود، به خیراترالی گفته است: «واقعیت آن است که یکی از بزرگی‌ها و افراد و گروه‌های تندرو این است که به هیچ‌و‌چیز نمی‌توانند با مخالفان خود گفت‌وگو و مذاکره کنند؛ به‌سبب از این گفت‌وگو این است که طرف گفت‌وگو فارغ از اصلاح‌طلب یا شخصیت مستقل سیاسی بود؛ نظر روانی شخصیت متعادلی باشد، افراد افراطی تندرو در جریان مذاکره به محض اینکه کم‌لای در مخالفت با خود می‌شوند، فضا را به سمت تنش، دعوا و یازدن و احیاناً فصل فضا به طرف دیگری گرفتار می‌برند؛ بنابراین اصل گفت‌وگو با چنین افراد و گسترده است، سیدمحمد صدر درباره خروجی جلسات گفت‌وگوی ملی نیز گفته است: «بناست در جلسات ده‌غها از سویی هر دو طرف مطرح شود تا اگر با همدیگر به تفاهم رسیدند وارد فاز اجرایی حل‌وفصل آن شوند؛ طبیعی است که برای حل مشکلات نتیجه مذاکرات است که در جلسات گفته‌شده در جلسات گفت‌وگوی ملی که به تأیید هر دو جریان رسیده به نمایندگی مجلس، دولت و رهبری اعلام شود؛ برای مثال، قطعاً هر دو گروه معتقدند که ما در انتخابات پیشرو باید شارکت حداکثری و بسیار فعالی داشته باشیم؛ خبری می‌شود که برای رفع این دغدغه و این‌همه مردود در حضور در انتخابات ترغیب شوند چه کارهایی می‌کنند؛ به‌طور کلی در اینجا ما در نشست‌های گفت‌وگوهای ملی درباره کارها به بحث می‌نشینیم تا چنانچه نتیجه‌ای حاصل شود، آن را به رهبری، شورای نگهبان مجلس و دولت اعلام کنیم. نکته قابل تأمل این است که در ارائه کارها هر دو جریان به تفاهم رسیدند؛ کامی رو به جلو خواهد بود،» مجمع تشخیص صلاحیت نظام با بیان اینکه تاکنون دو الی سه جلسه رای گفت‌وگوی ملی برگزار شده در ادامه گفته که ایر بلسان به صورت ماهانه در دفاتر اعضا برگزار می‌شود؛ به‌طور حتم در آینده به مجموعه فعلی افرادی اضافه می‌شود؛ شیهه اضافه شدن هم این‌گونه است که می‌تواند افراد اضافه‌ای می‌شوند تا چنانچه چهره‌های ساینده سایر اعضا رسید افراد جدید به مجموعه اضافه شوند؛ محمد رضا باهنر، رئیس جبهه پیروان خام و رهبری پیش‌تر گفته بود که «هیچ ماموریتی از طرف اصولگرایان برای حضور در این جلسات ندارد»، گفته است: «ممکن است ام من چهره‌ای شناخته‌شده به‌جریان اصولگرا باشم، اما این جلسات از قاعداً آقای باهنر می‌باشد؛ طرف اصلاح‌طلبان هیچ ماموریتی ندارند؛ هدف ما این بود که این کار را شروع کنیم تا آن‌ک سوسعه یابد و بسیاری از مشکلات را حل کند.» و پیش از این نیز گفته بود: «می‌خواهم به خدوام و دوستداران صلاح‌طلب توصیه‌ای کنم، از آن است که برای گرفتن ایده گفت‌وگوی ملی برای حل مسائل تاکنون هفت یا هشت وزیر و محمد باهنر و واعظی، رئیس دفتر پیش‌جمهوری که در تصمیم‌گیری دولت بسیار نقش‌آفرین، دیدار کرده‌ام، با رئیس قوه قضائیه نیز جلسه‌ای دوساعته داشته‌ام و گفته‌ام تا نهادهای برای حل مسائل همکاری نکنند، کاری از پیش نمی‌رود. همه صلاح‌طلب بین ما هست و هم اصولگرا؛ ما از طرف جایی با نهادهای مامور نشده‌ایم، خدوام خودجوش وارد میدان شده‌ایم؛ این طور که مشخص است، برای این که گفت‌وگوها با قدمت یک‌ساله، یک دستور کار سیاسی نشینیم، جلساتی داشته باشیم و مذاکراتی،» البته هرکس برای این جلسات یک اسمی انتخاب می‌کنند، فکر می‌کنیم باید گاهی با جریان‌های مختلف سیاسی نشینیم، جلساتی داشته باشیم و مذاکراتی، البته ما به یکدیگر اجازه می‌دهیم، البته همین گفته‌ها، این نقدها را شامت ما، و ذکی است که گفت‌وگوها، این نقدها را طرح کنیم. باید تلاش کنیم این نقدها به پراشگری توهین تبدیل نشود.**

مطلق، ساکن و بی تغییر برخورد نمی‌کنیم. ما درباره هر فرد یا شخصیتی، در هر مرحله تاریخی، همان‌طور قضاوت نمی‌کنیم که هست. پسند و مدردی هم نمی‌دهیم. که قضاوت امروز ما قضاوتی ابدی است و هیچ‌کس حق ندارد در تاریخ عوض شود؛ ما برای خودمان چنین سندی صادر نمی‌کنیم؛ چه برسد برای دیگران. در رهبری حزب خود ما، چندتایی بودند که خیانت کردند. ضعف نشان دادند و فرار فساد شدند. می‌بینیم میان چریک‌ها، مائویست‌ها و گروه‌های دیگر از این نمونه‌ها پیدا نشده است؟ از این پدیده‌ها در تمام گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب بسیار می‌توان یافت. در میان آنها نیز کسانی که ضعف نشان دادند یا خیانت کردند. فراوان بوده است».

اثریک

توده‌ای‌ها تصور می‌کردند با تشدید جنبه ضدامپریالی انقلاب، در شرایط آرایش قوای ایران (المللی و وضعیت سیاسی-جغرافیایی) بیان و روش دوستانه شوروی، جمهوری اسلامی راهی جز آن نخواهد داشت که به تدریج به سوی جبهه ضدامپریالیستی کشیده شود. تصور این بود که مبارزه ضدامپریالیستی و نزدیکی بیشتر با شوروی، به تفاهم و نزدیکی جمهوری اسلامی با حزب‌های خاندان نجابت و در این مسیر، نورالهدی کیانوری بیش از دیگر اعضای حزب کوشید و همه آنها در حالی بود که رهبر فقید انقلاب در پاسخ به استفتایی گفته بود: «من صریحا اعلام می‌کنم از این استنباط خود که کمونیست، چه مارکسیست و تفرقه‌اندازان به هر اسم و رسمی باشد، متفرق و بی‌ازم و آنها را خائن به مملکت و مذهب می‌دانم» (پیام انقلاب جلد اول). آنها حتی پیش از تسخیر سفارت آمریکا به نیروهای خام‌ای، به سفارتخانه این کشور نروند و آنجا را به تسخیر خود درآوردند که کمیت به سرعت آنها را از محوطه سفارت انداختند. همه اینها در حالی بود که در همان حزب توده با دولت شوروی ارتباط نزدیکی و بعد است از لحاظ معنایی دولت شوروی و آن حزب توده، به اسلام‌گرایی روی آورده که چنین نبود-که بی تردید نبود- حزب توده گرای بدی در تحکیم قدرت سیاسی خود می‌کرد.

سرنوشت حزب

رابطه اسلام‌گرایان و توده‌های هاشد و توسعه استراتژیک حزب توده توانست باعث پیروزی این دو ایدئولوژی در سال ۱۳۶۲ به اتهام طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد شود.^[بحاجة توضیحات]

استبکری شدند. ارتباط حزب توده با شوروی قطع بود؛ اما هیچ‌گاه ثابت نشد که آنها قصد علیه نظام جمهوری اسلامی را داشتند. پس از دستگیری اعضا، تعداد آن سران افزایش کرد که در نحوه اوایل آن اعتراف‌ها، بازتاب زیادی وجود دارد. اولین برنامه از ایران برای حزب توده در اردیبهشت ۱۳۴۲ با حضور کیانیوری و برگزار شد. کیانیوری در آن جلسه گفت حزب آغاز تأسیس در سال ۱۳۲۰ تا به حال، ابزاری سیاسی و خیانت بوده است. همش عضوی کمیته مرکزی از جمله محمدعلی عسکری، سیاست‌مشهور که ۲۴ سال در زندان سپاه پهلوی گذرانده بود نیز در برنامه‌های بعدی تلویزیون ظاهر شدند و به نفع خود پرداختند. این مشابه کردند. در مابین با جوبی‌ها، تقی‌الله در دیگر از اعضای حزب درگذشتند و در میزگرد تلویزیونی دیده نشدند. در سال ۱۹۶۲، نفر از متهمان در دادگاه ویژه روحانیت ریاست محمد محمدی شهری حضور یافت. در میان متهمان، چند فرد شاخص از جمله ضلحی، سهرنگ عطاریان، بیژن کبری، حسن شمس، شیفته غیاثوند، و امیراحمد احمد داشتند. در آن دادگاه، افرادی اتهام می‌دادند که گفت پس از دستگیری از وجود فعالیت‌هایی خبردار شده است. در نهایت، سهرنگ عطاریان، کبری و آذرفرود بهمن شکنجه شدند و ۱۹ نفر دیگر نیز به حبس ۱۳۶۱ فسخ‌گنجایی بعدها در مصاحبه‌ای با هاشمی عنوان کرد بهتر بود برخورد با توده و اعدام اعضای آن انجام نمی‌شد. او مصاحبه گفت: «اگر آن کار را نمی‌کردیم، مردم ما حزب توده را زیر نظر داشتیم. من می‌دانم که حرف که آنها به فکر کودتا بودند، دلیلی ندارد.» کیانیوری نیز پس از سال‌ها جوبی، خانگی رفت و در ۱۴ آبان ۱۳۷۸ درگذشت. در بازخوانی سرنوشت حزب توده مهم به رسد: نخست آنکه اثبات کودتای اعضای ده، همواره محل اصلی است و دوم آنکه چرا که مسئولیتی اصلی حزب پس از انقلاب را داشت، مانند برخی از اعضا با حکم اعدام شدند. به‌رور بحث‌های فراوانی درباره نوع کیانیوری در دوران محکومیتش وجود دارد. لاینال بادی مانده است. هرچه بود، حزب چنین رویدادهایی، در تمام ابعاد در ایران هرچند هنوز فعالیت‌هایی در خارج از

جام می‌دهد.

حوادث ۳۰ تیر به روایت یک شاهد عینی

محمود نکوروح

بعد از انقلاب مشروطه با کودتای رضاشاه و سیدضیا زورپهرو شدیم و در آن بستر محدود عدای ما به سمت کمونیست شدن سوق پیدا کردند و بعد از تبعید رضاشاه این حزب در زمان اشغال امکان رشد و گسترش یافت؛ به نوعی که بارها در سایه نیروهای روسی راهبردی، راه انداختن تا آنکه نیروهای این حزب در زمان دولت ملی دکتر مصدق در فضای باز سیاسی تضادهای خشن را ترتیب دادند که در پیس و ارتش مواجه شد و حتی در ۲۳ تیر سال ۳۲ در زرخورد با پلیس علاوه بر آنکه خودشان را نیز زیادی دادند، حدود ۵۰ نفر از نیروهای پلیس را با سنگ و چوب مجروح کردند و حتی با آجری سر سرنگ نوری شاه کوپیدند که در نتیجه این اقدام او کشته شد. از سوی دیگر هنگام ورود هریمن ایران برای حل مسئله نفت، تظاهرات خونینی به راه انداختند و با روزنامه‌های فراوانشان مصدق را امپریالیسم و جلا دگر معرفی کردند؛ درحالی که مشخص بود که فرامندی نیروهای شاهنشاهی و سر برهمه شاه‌نامه است. در خیابان استانبول هربش زدوخورد بین دانشجویان و دانش آموزان ملی با مال فروشان آذری که وابسته به حزب توده بودند، شکل می‌گرفت تا آنکه دانش‌آموزی با نام طالقانی به بره‌های زنجیر و چوب کشته شد. آیا اینها همان «لومین پرولتاریا» که مارکس می‌گوید، نبودند؟ حتی «و» بار اجزایی چون حزب ایران را در خیابان شاه‌آباد به آتش کشیدند یا افرادی از حزب ایران که آتشین و بلندگو برای تبلیغ به دروازه غار رفته بودند، با سر و کله باندیچی‌ده به خانه برگشتند. مایه حزب است در زمانی که سوسیالیست‌های خدابرس با حزب ایران که آن هم سوسیالیست بود، ائتلاف کردند، بودند، شاید حزب توده آنها را رقیب خود می‌دانست و دیدیم که حزب توده هم شعبان بی‌مخ‌های شور را داشت. قیام ۳۰ تیر در واقع انقلاب نسل جوان در برابر شاه بود. در همان ایام بود که حزب توده تلاش‌های خود را بلا بر زیر مصدق با کسب اختیاراتی از مجلس به برنامه‌های چپ‌کارانه‌ای تبدیل و سهمیه‌کردن کشاورزان، ایجاد قانون وکلا و... پرداخت. در نه‌تایب حزب توده بزرگ‌ترین راهبردی‌اش تشکیل از کارگران کوره‌پزخانه‌ها و قلیا که ده‌ها سال در آن کودتا راه انداخت که تا میدان پارس‌تان و استانبول کشش یافت و باعث بود حشمت‌آباد طبقه متوسط و حتی انگلیس و آمریکا شد. وقتی به رنگ قربان‌فر در سه‌راه ضرابخانه تهران فرمانده تانک بود، با کیانوری تماس گرفت و خواست که با حزب توده علیه کودتا عمل کند که پاسخ شنید: «مصدق و زاهدی هر دو از بورژوازی ایران‌اند و برای رفقی نمی‌کنند». در مقابل اداره را بدو در حوالی سیدخندان، سرهنگ ماموران گفت: «وقتی حزب در کودتا موضع‌گیری نکرد، حتماً با دلایل موافق است». واقعیتی این است که کودتای ۲۸ مرداد نسل ما (نکاح‌آباد به پرتاب کرد که یکی از دلایل آن نوع نگاه چپ حاکم در آن زمان بود، نگاه که در شوروی و استالین‌بازها در نه‌تایب فئودالیستی صنعتی رسید و حتی آن فضای عمومی در نه‌تایب به جایی رسید که تورن، جامعه‌شناس فرانسوی و بیشتر اعضای حزب توده و... اسیر آن گفتمان شدند که بعدها میدهند هم‌ماش اشتباه بوده است و فراتر از اینها حتی در زمان دولت ملی تا انقلاب اسلامی هم این نگاه لطمات زیادی را به جامعه ایران وارد کرد؛ چنانکه آن تفکر در نه‌تایب به تجزیه در ایران و خاصه مایل برای جدایی کردستان و آذربایجان رسید. با استناد به خاطرات عنایت‌الله رضا، افسر خلعتی که در دهه ۶۰ مکررات آذربایجان پیوسته بود و هنگام فروپاشی فرقه به آن سوی مرز گریخته بود گفت: «ما

و تسامح با رژیم حاکم را از عوامل جدایی نیروهای حزب توده دانست.

پس از انقلاب

روش حزب توده پس از انقلاب نیز همان روشی بود که طی سال‌های متصادمی دیده شده بود. حزب توده وقتی مطالبات مردم را ضد فساد مالی دریافت، به‌سرعت لیبرالیسم را به عنوان خدایان و ضدانقلابی بودن معرفی کرد و به صورت آشکار دولت موقت را نمایندۀ امپریالیسم معرفی کرد. در کنار چنین رویکردی وقتی دریافت که اسلام‌گرایی، فتنان غالب جامعه است، خود را مدافع حکومت اسلامی نمایند و حتی صادق خلخالی را به‌عنوان نامزد مورد حمایت حزب در انتخابات معرفی کرد و حتی توده‌ای‌ها را پیشنهاد «جمهوری اسلامی» مطرح‌نظر امام در برابر «جمهوری دموکراتیک» مطرح‌شده از سوی مهندس بازرگان از پیشنهاد جمهوری اسلامی حمایت کردند.

از ابتدا معلوم بود که برای ایشان دفاع از اسلامیت نظام تنها یک راهبرد استراتژیک برای بقا در قدرت سیاسی است.

روایت کیانوری در ماجرای دفاع از حقایق
کیانوری در جلسات هفتگی پرسش و پاسخ که
اوایل انقلاب برگزار می‌شد، در پاسخ به این پرسش

تحرز در ایران؛ طرح کودتا، اتهامی بی پاسخ

مهرشاد ایمانی: شماره پیشین *حسنا* «تحرز» ایران» با بحث درباره چگونگی تشکیل حزب توده و نقش این حزب در غائله فرقه مومکرات آذربایجان و در نهایت نوع رویکرد حزب در موضوع ملی‌شدن صنعت نفت و ارتقا بودکداتی ۲۸ مرداد آغاز شد و در این شماره به یاد خوانی کتاب‌ها و واکنش‌ها تا انقلاب اسلامی و پایان سرنوشت حزب توده در دهه ۶۰ می‌پردازیم.

حزب توده پس از کودتا

پس از کودتای سال ۳۲ قضا آن‌ها نیز
 از حزب توده بسته بود که عملاً نیروهای
 باقی‌مانده حزب نمی‌توانستند به فعالیت
 خود ادامه دهند. البته حزب توانست بخشی
 از رهبری خود را در داخل حفظ کند؛ چنان‌که
 حسین جودت و نورالدین کیانوری آخرین
 اقبالی‌های رهبری حزب توده در دوران پس از
 کودتا بودند که این دو نیز پس از دو سال،
 یعنی در سال ۳۴ به مسکو رفتند. در سال ۳۶
 دستور شعبه بین‌المللی حزب کمونیست
 شوروی پلوم پیرام کمیته مرکزی حزب
 تشکیل شد که در آن افرادی مانند رضا
 ادمش، ایرج اسکندری، رضا روستا، حسین
 جودت، محمود بقراتی، بابازاده، فریدون
 ششاورز، عبدالصمد کامبخش، نورالدین
 کیانوری، احمد قاسمی، دکتر مرتضی
 علی‌الهی‌خیزی، صمد کیمی، احسان طبری
 و عبدالحسین نوشین شرکت کردند و کمیته
 مرکزی به دو فراکسیون تقسیم شد که علیه
 اسکندری به‌جبهه گرفتند؛ به‌نحوی‌که رادمش،
 اسکندری و همکارانشان جناح کامبخش و
 ششاورز را به‌جبهه گرفتند و فریدون کشاورز
 و به‌نام‌هایمانند اقدام به درو شاه، قتل محمد
 سعید و قتل‌های درون حزبی را متوجه

نامبخش و کیانوری دانست و در مقابل جناح
ادمنش، اسکندری را به راست روی، جاه طلبی و
نباله روی از بورژوازی ملی (مصدق) متهم کرد.

حزب وروش مصلحت جویانه

چنین اختلاف نظرهایی همراه با فضای داخلی زعلی حزب را به شدت با مانع روبه‌رو کرده بود. تا امروز دیگر سران حزب تا انقلاب چندان تأملی به چالش عریق مانند گروه‌های دیگر با نظام نداشتند؛ برای مثال پس از سقوط دولت امینی و تدبیک، نسبتی نظام پهلوی دوم با شوروی حزب شعار «زندگاد دوستی ایران و شوروی» را سر داد. حزب ثورده نتهنرا در زمان فعالیت‌های قانونی اش، بلکه پس از انحلال یک محور اصلی را دنبال می‌کرد. آن تأمین منافع دولت شوروی بود و همان‌طور که در شماره پیشین این جستار آمد، مشخصاً در موضوع عطای نفت شمال منافع شوروی را تأمین می‌کردند. در زمان انحلال تا انقلاب نیز چنین رویکردی حاکم بود و حتی اگر در فاصله‌های انتقادی و سپس تقوای مشارکتی داشتند تحت فرمان دولت شوروی به فعالیت خود می‌پرداختند. مشخصاً زمانی که شاه بنا داشت اصلاحات ارضی را ایجاد کند، حزب دوده با امپریالیست‌های خواننده این اصلاحات علیه آن خردند و این امر حالی بود که حتی اگر اصلاحات ارضی بر اساس تفکر آمریکایی‌ها شکل گرفته بود. ما هفتین جلویگری از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران و پایان‌بخشیدن به نفوذ مالکان بزرگ بود. شاید اعضای حزب چنین موضوعی را ندانستند، اما بر اساس یک ایدئولوژی مشخص، یعنی نفی غرب و تأمین شوروی با اصلاحات ارضی مخالف بودند. همین رویکرد مصلحت‌جویانه باعث شد تا وقتی قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ شکل گرفت، میان اعضای حزب اختلافات بسیاری ایجاد شود. زیرا برخی بر اساس باور پیشین و نفی اصلاحات ارضی از قیام ۱۵ خرداد دفاع می‌کردند و برخی دیگر به دلیل آنکه در آن ایام موافقت‌نامه اقتصادی ایران و شوروی امضا شده بود، تا نگاه در چرخش عجیب سیاست‌های اصلاحی شاه را تأیید

تمایل نداشتن زاغه‌نشینان برای تغییر زندگی

او با بیان اینکه سابقه برخی از این سکونتگاه‌ها
غیررسمی از شهرستان‌ها می‌بستر است، می‌گوید:
یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در سکونت‌گاه‌ها
غیررسمی این است که ساکنان تمایلی به تغییر زندگی
خود ندارند و تمایل به آسایش نسبی‌تری را از عادت‌نشینی
دارند. تلاش ما در اوشون‌تپه برای جابه‌جایی افراد
و زندگی بهتر با برعکس شدن ساکنان این مناطق روبه‌رو
می‌شود با به‌عنوان نمونه دیگر، در شهرستان قدس و
ملارد، امکاناتی را برای تبدیل قولنامه به سند در نظر
گرفته‌ایم؛ اما ساکنان تمایلی به تغییر آن ندارند؛ زیرا
نگران آن هستند که مجبور باشند هزینه‌های مالیات و
عوارض و به‌یاد دارند.

با روش گازانبری نمی‌توان با سکونت‌گاه‌های غیررسمی مقابله کرد

به گفته او، بازخورد بازآفرینی را نباید انتظار داشته باشیم در کوتاه مدت ببینیم و در میان مدت و بلندمدت باید در انتظار نتایج آنها باشیم. برخورد های یک شبه و گازانبری نمی تواند جلوی سکونت گاه های غیر رسمی را بگیرد؛ همان گونه که برخورد ضربتی در خاک سفید نتوانست جلوی تجمع معاندان و زندگی غیر رسمی در این منطقه را بگیرد و اکنون شاهد ساخت خانه های یک شبه در این مناطق هستیم.

آینہ

جمہوری اسلامی

لطمه به اعتبار آژانس اتمی

- برخی طرف‌های اروپایی این روزها به تکرار خواسته‌های واشنگتن و ماندگرم پیرامون برجام پرداخته‌اند درحالی‌که برجام یک توافق نهایی و قطعی است که دیگر جانی برای بحث و مذاکره ندارد. حتی واکنش‌ها گسترده سیاستمداران و ساجده‌اند. عربی و به‌ویژه آمریکایی در جهت انتقاد از تصمیمات شتاب‌زده، بی‌منطق و غیراصولی آمریکای ترامپ به اندازه کافی در این زمینه روشنگر است و نشان می‌دهد که آنها حتی تتر در ایران به نقد و بررسی عملکرد خرافات واشنگتن پرداخته‌اند و با جملات و عبارات کذب‌های از هاشمی پورخانی و سردرگمی‌های رایج در کربلا، قطعاً ترامپ انتظار نداشت از تصمیمات ابلهانه‌اش در چنین بن‌بست عجیبی گرفتار شود و با اتکا به دیدگاه یک خبرنگار که تصادفاً در کنارش بوده، از تصمیم به جنگ و شرارت منصرف شود ولی در مقیاس جهانی، حرفی از گفتن نداشت‌ه باشد. لازم است کشورها را در ساختار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی لااقل این‌بار مسئولانه تخلف آمریکایی برجام را به‌وضوح اعلام کنند و به ترامپ بفهمانند که بر اساس اطلاعات و پیش‌نهادات غلط به تصمیماتی رسیده که راهی به‌جز بازگشت به برجام و پایان دادن به تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران برایش باقی نمانده است. این کمترین انتظار از شورای حکام است که واقعیت‌ها عینی و ملموس را به آمریکایی تافض برجام گوشزد کند.

اعتراف

تلاش برای نمایش تقابل

- **طیبه سیاوشی:** «کانون» یک سریال جاموسی است و چه در ایران و چه در کل دنیا از این دست سریال‌ها ساخته می‌شود اما نکته‌ای که درباره این سریال باید مورد توجه قرار داد، این است که این سریال مربوط به سال‌های اخیر می‌شود و مردم کاملاً این موضوعات را شخصیت‌ها تطبیق می‌دهند؛ بنابراین هر نوع قضاوت و برخوردی که در این فیلم می‌شود، قابل‌توجه است. این همان موضوعی است که سازندگان فیلم باید آن را مورد توجه قرار می‌دهند و بدست یست به ساخت آن می‌زدند. این موضوع چیزی نیست که بگویند فیلم ساخته شده و دیگر کاری نمی‌توان کرد. نباید فراموش کنیم که چنین رویکردی می‌تواند به اعتماد مردم آسیب بزند.

دامه از صفحه ۵

گانکس نشینی در تهران

او می‌فرازد: اگر امکانات تشویقی برای تجمع ریزدگی در محلات در نظر گرفته نشود، چند سال آینده وارد سیکل معیوبی می‌شویم که باز هم محلات نیازمند بافت آفرینی باشد؛ بنابراین تجمع آنها را به صورت چند بلاک در نظر گرفته‌ایم. هرچه تعداد پلاک‌های تجمع بیشتر باشد، از تراکم تشویقی بهتری برای ساخت استفاده خواهد کرد. این تراکم تشویقی این اجازه را به توسعه‌گران می‌دهد که وارد بافت فرسوده شوند. در حال حاضر شهرستان بهارستان، شهرستان قدس، قرچک و برخی از شهرستان‌های دیگر پیوندها راه را به صورت ابزاری در بافت‌های فرسوده در اختیار مراجع‌حکومتی قرار می‌دهند. علوی‌با اشاره به سکونت‌گاه‌های غیررسمی در تهران می‌گوید: تهران به سبب آنکه پایتخت است، مملعه‌ای از همه مشکلات کشور را در خود دارد. به طور مصداقی، محله اسلام‌آباد زیر پل مدیریت در منطقه دو تهران غریبنیمی آهوشن‌تپه می‌شود. در حال حاضر در تهران، آهوشن‌تپه، کپرنشینی، کانکس نشینی و زندگی بدون آب و برق و گاز در جریان است. سکونت‌گاه‌های غیررسمی به خاطر همین اطلاق، به لحاظ مالکیتی دچار مشکل هستند. در بافت‌های فرسوده در برخی از جاهای تهران، مشکل هستند؛ اما در سکونت‌گاه‌های غیررسمی به خاطر همین اصطلاح، مشکل مالکیتی داریم و اسناد غیررسمی مالکیتی در حال دست به دست شدن و مبادله است و هیچ نظارتی نیز روی آنها وجود ندارد.

تمایل نداشتن زاعه نشینان برای تغییر زندگی

غیررسمی از شهرستان های ما بیشتر است، می گوید: یکی از مهم ترین مشکلات در سکونتگاه های غیررسمی این است که ساکنان تمایلی به تغییر زندگی خود ندارند و تمایل به کانسنت نشینی یا زاغه نشینی دارند. تلاش ما در اوشون تپه برای جابه جایی افراد و زندگی بهتر یا برعکس، ساکنان این مناطق روبرو می شود یا به عنوان نمونه دیگر، در شهرستان قدس و ملارد، امکاناتی را برای تبدیل قولنامه به سند در نظر گرفته ایم؛ اما ساکنان تمایلی به تغییر آن ندارند؛ زیرا نگران آن هستند که مجبور باشند هزینه های مالیات و عوارض و ... بپردازند.

با روش گاز انبری نمی‌توان با سکونت‌گاه‌های غیررسمی مقابله کرد

به گفته او، بازخورد بازآفرینی را نباید انتظار داشته باشیم در کوتاه مدت ببینیم و در میان مدت و بلندمدت باید در انتظار نتایج آنها باشیم. برخورد های یک شبه و گازانبری نمی تواند جلوی سکونت گاه های غیر رسمی را بگیرد؛ همان گونه که برخورد ضربتی در خاک سفید نتوانست جلوی تجمع معتمدان و زندگی غیر رسمی در این منطقه را بگیرد و اکنون شاهد ساخت خانه های یک شبه در این مناطق هستیم.